

منابع: تاریخ ادبیات در ایران، ۱۸۷/۴؛ تاریخ نظم و نثر در ایران، ۳۱۸/۱؛ تحفه سامی، ۲۳۴-۲۳۵؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ۳۷۷/۴-۳۷۸؛ الذریعه، ۹۷۱/۹، ۱۰۱۶-۱۰۱۷؛ ریحانة الادب، ۲۵۱/۵؛ صبح گلشن، ۳۹۰؛ عرفات العاشقین و عرصات العارفین، ۳۵۸۳-۳۵۸۲۶؛ گلزار جاویدان، ۱۳۰۷/۳-۱۳۰۸؛ منظومه‌های فارسی، ۵۲۱-۵۲۲؛ هفت اقلیم، ۲۷۴/۱. غلامرضا خدابنده‌لو

محیط، از اسماء الحسنی. محیط اسم فاعل از ریشه حوط، به معنای «احاطه‌کننده» و «فراگیرنده» است. کلمه «محیط» یازده بار در قرآن آمده است، هشت بار درباره خداوند، دو بار در مورد جهنم و یکبار در مورد عذاب. محیط صفت کسی است که نمی‌توان از او فرار کرد. این صفت تنها در مورد خداوند به کار می‌رود نه درباره انسان، به این دلیل که تنها خدا علم و قدرت کامل دارد: چون علم کامل دارد چیزی را فراموش نمی‌کند و هر نوع غفلت و درماندگی از او دور است. همچنین او کسی است که قدرتش تمام مخلوقات را فراگرفته است و به همه چیز احاطه دارد. احاطه دو معنی می‌تواند داشته باشد: یکی اینکه جسم بزرگ جسم کوچک را دربر می‌گیرد، مانند دیوارهای یک شهر یا خانه که هر چه در آن هست را دربر گرفته‌اند و به همین دلیل به آن دیوار «حائط» می‌گویند؛ دیگر به معنی احاطه بر زمان و مکان و غلبه قدرت و اراده بر همه چیز و همه کس. به همین دلیل محاصره کردن را «احاطه» می‌گویند، چراکه هنگامی که دشمن محاصره می‌شود راه فراری برایش وجود ندارد. البته درباره خدا به این معنا نیست که برای داشتن این صفت نیازمند وجود مخلوقاتی باشد تا محیط بر آنها باشد، بلکه بدون اینکه چیزی این صفت را برایش حاصل کند واجد آن است و این مانند احاطه شدن وجود بر ماهیت است.

منابع: اسماء و صفات، بیهقی، ۴۷؛ کتاب التوحید، صدوق، ۲۲۲؛ المقام الاسنی فی تفسیر اسماء الحسنی، ۷۲؛ اشتقاق اسماء الله، ۶۷ و ۶۸؛ شرح اسماء الله، سبزواری، ۶۵۱. عارفه خندق‌آبادی

المحیط الاعظم (بهاء‌الدین آملی) ← تفسیر و تفاسیر شیعه

محیط طباطبایی، سیدمحمد، (زواره ۱۲۸۱ - تهران ۱۳۷۱ش). پژوهشگر، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر ایرانی.

محولات اقامت گزید. در ۱۳۶۳ به تهران کوچید و در مسجد جوادیه به اقامه نماز و ارشاد مردم پرداخت. از آثار اوست: تفسیر القرآن‌الکریم؛ کشف الآیات؛ کشف اللغات؛ مهدی منتظر؛ تقریرات اصول؛ ظواهر الآثار در اخلاق؛ تقلید اعلم؛ طب و اراده؛ منظومه فی الرجال؛ نخبه القضاء؛ ترجمه حدیث الاهلیجه؛ مقتل الامام‌الحسین؛ دیوان اشعار عربی و فارسی؛ البدعة و التحریف یا آیین تصوف که چاپ شده است؛ اربعینیات؛ خلاصه علائم الظهور؛ منظومه فی الاصول؛ معارف‌الشیعه؛ حجت قومی در ابطال مثنوی؛ معارف‌الائمه به نظم؛ الامامه عندالشیعه؛ دیوان بینه رحمت در مرثیة قتیل امامت به فارسی (تهران، ۱۳۳۵ش)؛ آمی سوزان برای منتظرین امام زمان؛ ارشاد الطالب الی حجة‌الغالب؛ بازگشت شهید در رجعت؛ علائم دوره آخرالزمان؛ فتنه‌های آخرالزمان؛ کشف مطالب الآیات؛ رساله رضوان‌الله اکبر در رد تصوف (تهران، بی‌تا).

منابع: تربت پاکان قم، ۱۵۰۱۳-۱۵۰۳؛ گنجینه دانشمندان، ۴۳۳/۶؛ شایسته‌ترین کتاب‌های چاپ شده در ایران، ۱۵۰-۱۴۹/۵. HASAN KAZEMI
MADE YAYINLANDIRKAN
CHIRA CELEN DOKUMAN
حسن انوشه

محیی‌الدین لاری (م ۹۲۳ق)، شاعر ایرانی. شاگرد جلال‌الدین دوانی (۸۳۰-۹۰۸) و از شاعران روزگار یعقوب‌بیگ آق‌قویونلو (۸۸۳-۸۹۶)، که به گفته برخی از تذکره‌نویسان، ستایشگر او بود. محیی‌الدین مدتی از عمر خویش را در فارس گذراند و گویا سال‌هایی نیز در تبریز زندگی کرد. در شعر پیرو سبک بابا فغانی بود. از آثار اوست: دیوان اشعار؛ مثنوی فتوح‌الحرمین، که شاعر در آن مشاهدات خویش را پس از بازگشت از سفر حج سروده است. اهمیت این اثر از آنجاست که نخستین اثر مستقل عرفانی در بحر سریع است که درباره حرمین سروده شده است، اگرچه پیش از محیی‌الدین، خاقانی (م ۵۹۵) و جامی (۸۱۷-۸۹۸) در این باره اشعاری سروده‌اند. فتوح‌الحرمین، بر وزن مخزن‌الاسرار نظامی است. محیی‌الدین در این اثر پس از حمد خداوند و ذکر خلفای راشدین به ستایش امام معصوم (ع) پرداخته است. این اثر به کوشش علی محدث چاپ شده است (تهران، ۱۳۶۶ش).

٩٢٤ ط الطباطبائي ، محمد حسين

الإسلام ومتطلبات التغيير الاجتماعي / محمد
Tabataba'i, Muhsin
ط محمد حسين

حسين الطباطبائي ٠ - ط ٠٢ - سيهات ، السعودية :

مكتبة احمد عيسى الزواد ، ١٤٠٠ هـ ، ١٩٨٠ م .

٨١٠ ص ٢٠٤ سم

١. الاسلام - مقالات ومحاضرات ٢. الاسلام

والمجتمع ٣. القرآن - مباحث عامة ٤. التغيير

الاجتماعي .أ. العنوان

١٩٨٠
SUDAT 1006

Tabataba'î Seyyid Muhammed
ferq ✓ Tabataba'î Muhammed Mubîd
- Tabataba'î Muhammed Huseyin

٦- مشهد آل طباطبا بالإمام الشافعي

(٣٣٤ هـ / ٩٤٥ م)

عاصم محمد رزق، أطلس العمارة الإسلامية والقبطية بالقاهرة، الجزء الأول،

ISAM KTP ٩٧١٢٦. ١٢٥-١٣٦

بيروت ٢٠٠٣، ص.

mulit . K.P.

سید عبدالعلی فناء توحیدی

سید محمد محیط طباطبائی

مدتها بود میخواستیم نسبت به جمع آوری مقالات و مصاحبه‌ها و خطابه‌های برادر ارجمند آقای محیط طباطبائی اقدامی بعمل آوریم تا اینکه از ۱۳۴۰ شمسی به این طرف از مجموعه روزنامه‌ها و کتابها و مجلات و نشریاتی که در دسترس خود و ضبط خانوادگی موجود بود مقداری رونویس شد، آنگاه شخصاً از ایشان خواستیم تا نسبت به این کار تمایلی نشان دهند تا سرانجام

از سال ۱۳۵۰ برای این کار به کتابخانه مرکزی دانشگاه و اخیراً کتابخانه مجلس شورای ملی مراجعه شد و در حدود هزاران مقاله و مصاحبه و خطابه فتوکوپی و عکس برداری و رونویسی شد و در این کار از همت والای آقای عبدالحسین حائری رئیس کتابخانه مجلس و آقای ایرج افشار رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران استعانت جستیم و این فهرست بنا بقاضای آقای افشار از استاد محیط بدین صورت تنظیم شد. ضمناً مقالات زیادی در روزنامه پارس چاپ شیراز بقلم آقای محیط نوشته شده که به هیچیک دسترسی نیست. امیدوارم با مراجعه به آقای شرقی مدیر روزنامه پارس به جمع آوری و ضبط آنها و بقیه آثار برادر بزرگوارم موفق شوم.

شرح حال

سید محمد محیط طباطبائی در تاریخ بیست و ششم خرداد ۱۲۸۱ شمسی برابر با نهم ربیع الاول سال ۱۳۲۰ قمری هجری در قریه «جزلا» یا «گزولای» پائین که بیلاق خانوادگی آنها بود متولد شد.

این دهکده در فاصله هشت کیلومتری شرق جوگند (زفرقند) و جاده اسفالت اردستان بنائین قرار دارد و تا زواره از همین راه پنجاه کیلومتر فاصله دارد.

پدرش سید ابراهیم فناء توحیدی در سال ۱۳۲۶ هجری او را به مکتب خانه ملاعلی حاج حسن مکتبدار معروف زواره سپرد و تا سال ۱۳۳۳ قمری در همین مکتب بتحصیل ادامه داد و سپس از مکتبدار فاضل دیگری بنام ملا محمد رضا آموزگار برای کسب معلومات استفاده میکرد.

راهنمای کتاب، جلد بیست و یکم

۱۷۶

بوروکراسی ندارد.

غیرت ایرانیگری آقای نراقی را به برخی گفته‌های اغراق آمیز هم واداشته است. مثلاً برای پیش برد نظر خود در این باره که به افتخارات گذشته ایران و فرهنگ ایرانی در این روزها چندان اعتنائی نمی‌شود می‌نویسند: «زمانی بود که خاطره ابومسلم و مازیار و حوادثی که بر آنان گذشت، یا سخن گفتن از ابوریحان و خواجه نصیرالدین طوسی و کارها و آثار آنان، در همه افراد ملت ایران احساسات و عواطف یکسانی را بیدار می‌کرد. اما امروز چه؟ (ص ۵۷۷).

در پاسخ باید گفت که چون نمونه‌گیری آماری از سراسر ایران دشوار و پرخرج است بهتر است که بهمین اندازه بسنده کنیم که یک روز صبح دم در ورودی دانشگاه تهران (از سوی خیابان شاهرضا) ایستاده و از همه دانشجویانی که وارد می‌شوند (پس از نشان دادن کارت دانشجویی) بپرسیم که آیا ابومسلم و مازیار و ابوریحان و خواجه نصیرالدین را می‌شناسند؟ من حاضریم که با آقای نراقی شرط ببندم که ده درصد از دانشجویان مزبور هم (که از لحاظ دانش و فهم گل‌سر سبد جامعه ایران می‌باشند) این کسان را نخواهند شناخت چه رسد به همه افراد ملت ایران. خواست من از این گفته‌ها ناچیز شمردن حس میهن دوستی و غرور ملی آقای نراقی نیست. اما منطق بحث علمی با حماسه‌سرایی دوتاست.

۱۰- نتیجه‌ای که آقای نراقی از گفتار خود میگیرند با این جمله که «هم باید علم و تکنولوژی غربی را بکار گرفت و هم از فرهنگ ملی خود حراست کرد» (ص ۵۸۶) مورد قبول همه ایرانیان بافهم و میهن دوست می‌باشد. اما کار را باید از راهش انجام داد. با پیروی از احساساتی تند مانند غرور ملی بیرون از اندازه و وحشت از غرب راه بجائی نمیتوان برد. تا آنجا که مربوط به مطالب مورد بحث در این گفتار می‌شود بعقیده این نویسنده در گام نخست باید روش علمی را درست شناخت و بدانشجویان جوان ایرانی نیز آن را آموخت و در گام دوم بروابط فرهنگی ایران و غرب باید از دید علوم انسانی نگریست و خواست خود را با فهم قوانینی که حاکم بر این گونه روابط اجتماعی است انجام داد.

